**فرشگرد: جریانی فاشیستی و بی آینده**

گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کاظم نیکخواه

**سیما بهاری**: با درود به بینندگان عزیز. در شهریور ماه امسال یعنی همین ماه که در آن هستیم جریانی بنام "فرشگرد" اعلام موجودیت کرد. این جریان مدعی است که برای سرنگونی جمهوری اسلامی تلاش میکند و میخواهد "ایرانی دموکراتیک" بسازد. از کاظم نیکخواه دعوت کردیم در برنامه گفتگوی تلویزیون شرکت کنند و با همدیگر در این رابطه گفتگویی داشته باشیم. سلام میکنم به شما کاظم نیکخواه خیلی خوش آمدید به برنامه مان.

**کاظم نیکخواه**: با درود به شما و همکارانتان و بینندگان عزیز

**سیما بهاری:** کمی از اهداف این جریان "فرشگرد" بگویید. اینها خودرا چگونه تعریف میکنند

**کاظم نیکخواه**: همانطورکه خود شما اشاره کردید اینها چند روزی بیشتر نیست که اعلام موجودیت کرده اند. و برنامه و اهدافشان را در جزئیات اعلام نکرده اند. اما از بیانیه ای که داده اند و مصاحبه هایی که در برخی رسانه ها با آنها شده معلوم است که چه میگویند.

اینها جریانی هستند که میگویند طرفدار ترامپ هستند، طرفدار رضا پهلوی هستند. طرفدار تشدید و گسترش تحریمهای اقتصادی هستند. خودشان را ضد کمونیست تعریف میکنند. خودرا سکولار یا سکولار دموکرات تعریف میکنند. و حتی بعضا دیده ام که برخی از آنها از "فواید جنگ" صحبت میکنند.

وقتی اینها را کنار هم بگذارید بسادگی یک طیف توق و شناخته شده سلطنت طلب را می بینید. سلطنت طلب امروز در جامعه ایران اگر بخواهد ابراز وجود کند نمیتواند ادعا نکند که من "سکولار" و "دموکرات" هستم. اما کل جهت گیری اعلام شده آنها نشان میدهد که اینها در راست ترین جناح سلطنت طلبان قرار میگیرند. میشود در مورد جایگاه و آینده چنین جریانی در جامعه امروز ایران و دلیل اعلام موجودیت آن بعدا بیشتر صحبت کرد.

اینها روشن است که طیفی از سلطنت طلبان هستند که آشکارا از فواید جنگ صحبت میکنند. صراحتا از اینکه دولتها از بالا حکومتی را به مردم تحمیل کنند دفاع میکنند. یعنی صریح تر و آشکار تر از هر جریانی اهداف راست و سلطنت طلبی شان را مورد دفاع قرار میدهند. و این جالب و قابل توجه است.

معمولا دیده ایم که جریانات راست دیگر به نحوی وانمود میکنند که همه جریانات سیاسی از چپ و راست را تحمل میکنند و قبول دارند و یا وانمود میکنند که مردم جایگاهی در سیاستهایشان دارند. اما اینها خیلی روشن و صریح میگویند ما با کمک آمریکا میخواهیم بیاییم سرکار و در همان قدم اول کمونیستها را بزنیم. حتی با زبان گستاخانه و وقیحانه ای کمونیستها را "ارتجاع سرخ" مینامند. یعنی به زبان حکومت آریامهری و پدر تاجدار از تخت افتاده شان محمد رضا شاه حرف میزنند که گورستان آریامهری را بر جامعه تحمیل کرده بود. یک کلمه از جایگاه مردم و مبارزات مردم حرفی نمیزنند.

**سیما بهاری**: این اول بار نیست که یک تشکل مخالف جمهوری اسلامی اعلام موجودیت میکند. ولی میتوانم بگویم که اول بار است که وقتی یک تشکل اعلام موجودیت میکند فورا رسانه هایی مثل بی بی سی، رادیو فردا، کیهان لندن، من و تو و اینها به آنها مصاحبه کرده باشند و به آنها تریبون داده باشند. چرا؟

**کاظم نیکخواه**: بله اینهم نکته بسیار قابل توجهی است. دلیل استقبال این رسانه ها قطعا بعدا بیشتر رو خواهد شد. ولی یک چیز که روشن است اینست که این رسانه هایی که اسم بردید و برخی دیگر بطور فعال و هماهنگ در مورد جریان راست ضد کمونیست و فاشیستی ای که دو روز است اعلام موجودیت کرده شروع میکنند تبلیغات کردن، مصاحبه کردن، تریبون دادن. و این خیلی جالب توجه است. این بیشتر از اینکه ماهیت آن جریان تازه تاسیس را نشان دهد، ماهیت همین رسانه های به اصطلاح "بی طرف" و "مستقل" را جلوی چشم مردم میگذارد. اینها قرار بود "بیطرف" باشند. ولی در عرض همین چند روز یک مرتبه فراموش کردند و بیشترین پوشش تبلیغی را به یک جریان ضد کمونیست و سلطنت طلب طرفدار ترامپ میدهند. این نوع استقبال از یک جریان سیاسی توسط رسانه های فارسی زبان غربی بی سابقه است. بنابرین قطعا یا باید پول کلانی در کاسه شان ریخته شده باشد، یا از دولتها دستور گرفته باشند. یا هردو. ژست و پز رسانه هایی مثل بی بی سی و رادیو فردا و امثالهم اینست که بیطرفند. اما اینجا یک بار دیگر به همه اشکار میشود که نه بیطرفند و نه مستقل. وگرنه بقول شما تشکل سیاسی کم اعلام موجودیت نکرده، تشکلهای سیاسی کم در اپوزیسیون وجود ندارند، اما یک جریان راست و ترامپیست که دو روز است تاسیس شده و معلوم نیست چند مرده حلاج است و چقدر دوام می آورد را اینها سعی میکنند به جلو برانند و به مردم بقبولانند و به درجه ای موفق شده اند که توجه ها را به آن جلب کنند.

**سیما بهاری**: یکی از موضوعاتی که این جریان در بیانیه اش مطرح کرده و شما هم شاره کردید ضدیت اینها با کمونیسم است که به همان زبان آریامهری ادعا میکنند که میخواهند با "ارتجاع سرخ و سیاه" بجنگند. آیا این بنظر شما نقطه ضعفشان میتواند باشد یا نقطه قوتشان؟

**کاظم نیکخواه:** بنظر من این با پوزش از بینندگان باید بگویم از حماقتشان است. ناچارم این کلمه را بکار ببرم. اینها به این توهم دچار شده اند که وقتی چهار نفر در گوشه ای به نفع رضا شاه یا رضا پهلوی شعار دادند اینها هنوز هیچ نشده و به جایی نرسیده میتوانند یک جامعه هشتاد میلیونی را برگردانند به گورستان آریامهری و با زبان پدرتاجدارشان با مردم حرف بزنند و به چپ و کمونیسم حمله کنند. و این را نمیفهمند که ایران جامعه چهل سال قبل نیست. مردم ایران، کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دانشجویان سی چهل سال است با یک ارتجاع حاکم سرمایه داری هرروز جنگیده اند. به همین دلیل کمونیسم یک جای ویژه ای در ایران دارد. کمونیسم بسادگی یعنی از حقوق انسانی دفاع کردن، یعنی رفاه حق همه است، یعنی آزادی بیان و تشکل و عقیده بدون قید و شرط حق همه است، یعنی کودک و زن و مرد و همه مردم حق دارند زندگی انسانی داشته باشند. یعنی تبعیض نباید علیه هیچ بخشی از مردم اعمال شود. اینهاست که هرروز در اعتراضات در شعارها، در تجمعات، در بیانیه ها در صدای اعتراض بخشهای مختلف مردم با صدای رسا شنیده میشود. چپ و کمونیسم نماینده اینهاست. و چپ در این جامعه چه کسی خوشش بیاید یا نیاید جای بسیار جدی ای دارد. و اتفاقا این جریانات از وحشتشان از چپ است که اینگونه هنوز هیچ کار نکرده، شمشیر علیه کمونیسم بلند میکنند. کمونیسم هم همان "ارتجاع سرخ" است که محمد رضا شاه گفته است! ارتجاع سرخ را وقتی یک زمانی محمد رضا شاه میگفت یک عده ای میگفتند حتما منظورش استالین و بلوک شوروی و اینهاست. امروز که اینها نیستند. این جریان منظورش امثال حزب کمونیست کارگری است. منظورش کسانی هستند که میگویند کارگر حق دارد استثمار نشود. مردم حق دارند استثمار نشوند. مردم حق دارند انسانی زندگی کنند. یک طیف اقلیت مفتخور سرمایه دار نباید بالای سر مردم حکومت کند. این یعنی کمونیسم. حالا یک عده ای پیدا شده اند با طرفداری از ترامپ و رضا پهلوی و جنگ و سرمایه داری و میخواهند با کمونیسم بجنگند. خودشان میگویند ما به ترامپ نامه نوشتیم و از او تقاضا کردیم که بیا ایران را نجات بده. اینها میخواهند کمونیسم را در ایران گویا ریشه کن کنند! ما به آنها میگوییم کور خوانده اید! این جامعه را نمیشناسید. این جامعه دوباره به عقب بر نمیگردد. به گورستان آریامهری بر نمیگردد. به سلطنت و دیکتاتوری و حکومت موروثی و چکمه پوشانی که میخواهند مردم را سرکوب کنند، به اوین و زندان و شکنجه و ساواک روی خوش نشان نمیدهد. جریانات سلطنت طلب اول باید بروند تکلیف خودشان و دارودسته هایی که به خون یکدیگر تشنه هستند و هر روز دارند به هم فحش میدهند را روشن کنند.

تردیدی نداشته باشید که این جامعه با سرنگونی جمهوری اسلامی برابری را، حقوق انسانی را ، زندگی انسانی را بصورتی نمونه وار در ایران پیاده خواهد کرد. بنابر این گردانندگان این جریان نشان میدهد که از سیاست چیز زیادی نمیفهمند و جامعه ایران را نمیشناسند. خود رضا پهلوی تا الان اینگونه حرف نمیزد. همین یک مدتی پیش در مصاحبه اش حتی ادعا کرد که پدرش "سوسیالیست" بوده! مجبور است این را بگوید و خودرا مضحکه کند. همین ها که الان بیانیه میدهند و میگویند "ما سکولاریم" معلوم است که نیستند. این را ما به اینها تحمیل کرده ایم. همان رضا پهلوی هنوز وقتی از جمهوری اسلامی حرف میزند آنها را "فرقه تبهکار" مینامد. نه ارتجاع مذهبی و اسلامی. نمیگوید یک مشت آخوند مرتجع مفتخور اسلامی. مدام از عبارت "فرقه تبهکار" برای اینها استفاده میکند که گویا ربطی به اسلام و مذهب ندارند. اما اینها هنوز پا از خانه بیرون نگذاشته شمشیر را از رو بسته اند و میخواهند کمونیسم را بزنند! حتی خمینی قبل از سال ٥٧ جرات نکرد نیات ضد کمونیستی اش را رو کند و میگفت "مارکسیستها و کمونیستها هم حق فعالیت و تشکل در جامعه دارند اما بشرطی که توطئه نکنند!" حالا یک جریان تازه تاسیسی که با پول و پله ای که دولتها در اختیارش گذاشته اند اعلام موجودیت کرده، میخواهد با زبان دیکتاتوری آریامهری با جامعه امروز ایران حرف بزند و میگوید من میخواهم کمونیستها را بزنم. بجای اینکه اهدافش را مبارزه با جمهوری اسلامی تعریف کند از همان اول مبارزه با کمونیسم گذاشته است. جریانی که از همان اول تولدش میخواهد فعالترین و رادیکالترین بخش اپوزیسیون را بزند، معلوم است که جایی در جامعه ایران، درسیاست ایران و در آینده ایران نخواهد داشت و جامعه آنرا به سرعت کنار میزند و حاشیه ای میکند. این جامعه جلوتر از این حرفهاست، روشن تر از این حرفهاست، آگاه تر از این است که اینها تصور میکنند. یک جریان فاشیستی که از ترامپ و ناسیونالیسم و از جنگ دفاع میکند و میگوید جنگ چیز بدی هم نیست، یعنی با زبانی که فاشیسم حرف میزند جلو آمده و میخواهد کارگر کمونیست را عقب براند! اینها فاشیستند. میگویند جنگ چیز خوبی است. تحریم اقتصادی خوب است. گرسنگی دادن مردم خوب است. معلوم است که یک جریان فاشیستی است. و فاشیسم در جامعه امروز ایران هیچ جایی ندارد و نخواهد داشت. مطمئنا اینها خیلی زود بساطشان جمع میشود. خودشان از هم می پاشند. آنقدر جریانات راست و سلطنت طلب اختلاف دارند و همین چند ماه گذشته آنقدر به هم فحشهای رکیک داده اند که فکر نمیکنم این چند نفر با این سیاستهای رسوا بتوانند یک ذره آنها را جمع کنند. اما معلوم است که پولی در دست و بالشان ریخته شده است و یک مدتی جست و خیزی میکنند و بعد هم پولها را به جیب میزنند و دنبال زندگیشان میروند.

**سیما بهاری**: اشاره کردید به طرفداری از ترامپ. عده ای از افرادی که در لیست این جریان هستند کسانی هستند که به ترامپ نامه نوشته اند که ایران را آزاد کند. کلا سیاست اینها چه ربطی به ترامپ دارد؟

**کاظم نیکخواه**: ببینید اینها یک مشت سلطنت طلب طرفدار رضا پهلوی هستند که دار و دسته ترامپ (بعدا معلوم میشود کدامشان چه نقشی در این رابطه داشته) آنها را راه اندخته اند. زبان و ادبیاتشان از آنجا می آید. ترامپ کسی است که در خود آمریکا بعنوان نماینده طیف فاشیست و دست راستی حزب جمهوریخواه از او اسم برده میشود. یک میلیاردری هست و داستانهایی دارد که خودتان بخوبی میدانید و سرکار آمده است. این طیف راست در آمریکا و برخی دولتهای ارتجاعی دارند تقلا میکنند که جریانات مختلف را سبک سنگین کنند و برای آینده آنها را شاید مورد استفاده قرار دهند. بعضی هایشان رفتند دنبال مجاهد، با پول عربستان و برخی کشورهای دیگر و الان هم این دارودسته را راه انداخته اند و دارند آزمایش میکنند که اینها را جلو بیندازند. یکی از دلایل این نوع تلاشها اینست که مردم ایران متحدند، مردم ایران آگاهند، چپ در آن جامعه جای برجسته ای دارد. کارگر صدای رسایی دارد. جریانات راست و سلطنت طلب و اسلامی جایی در اعتراضات، مبارزات و حرکتهای مردم جایی نداشته اند در این چند ساله و مدام حاشیه ای تر شده اند. و این طیف میخواهد این طور وانمود کند که با طرفداری از ترامپ یا ترامپ با استفاده از اینها میتوانند در سیاست آینده ایران نقشی ایفا کنند. جامعه را به راست بچرخانند. مانع شوند که سرمایه داری و حاکمیت مفتخوران سرمایه دار خدشه ای در آن وارد شود.

این تلاشی است در این جهت. اما بنظرم این اشتباه محض است. اینها فکر میکنند با وابستگی به ترامپ میشود هرکاری در دنیا انجام داد. میشود عراق و افغانستان و جاهای دیگر را نشانشان داد که نشان میدهد که جناب ترامپ نمیتواند خودش را هم جمع کند چه رسد به اینکه بخواهد در ایران آینده که کارگر هرروز مارش میرود و کارگر هپکو سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی" را میخواند چطور شما میخواهید با موضع سلطنت طلبی و ضد کمونیسم جایی در این جامعه پیدا کنید؟ تازه یک مشکل اینها خود چرخش سیاستهای ترامپ است که حرفی از سرنگونی نمیزند دارد تلاش میکند با جمهوری اسلامی سر میز مذاکره بنشیند. معلوم نیست که اگر این اتفاق بیفتد جریانات دست ساز و ترامپیست چه سرنوشت مضحکی پیدا میکنند!

ولی بالاخره تقلاهایی است که انجام میشود. در همین یکی دو سال گذشته طرفداران رضا پهلوی چندین بار به نامهای مختلفی سعی کردند خودرا سازمان دهند و جمع و جور کنند و با تشتت بیشتر از در خارج شدند. یک بار "شورای ملی ایران" را درست کردند. بعد "شورای ملی ایرانیان" را درست کردند و بعد اسمش را به چیز دیگری تغییر دادند و بعد هم رضا پهلوی بناچار از همه اینها بیرون افتاد و استعفا داد و الان سی چهل نفر را جمع کرده اند و "فرشگرد" را سرهم بندی کرده اند.

همه اینها تقلا و تلاشی است برای نجات جریان راستی که متشتت است و در آن جامعه جایی ندارد. و بنظر من جایی هم نخواهد داشت.

**سیما بهاری**: اتفاقا سوال بعدی من همین است که با توجه به اینکه در ادبیات حزب کمونیست کارگری و تحلیلهایی که شما میدهید گفته میشود که جامعه اساسا چپ است. خواستها و مطالبات مردم چپ است. خب این یک چنین جریان راستی چقدر میتواند این امکان را داشته باشد که در جامعه رشد کند یا جایی پید اکند

**کاظم نیکخواه**: ببینید ما وقتی میگوییم جامعه چپ است یک حرف صرفا تحلیلی نیست. به فاکتهای روشنی اشاره داریم که قابل انکار نیستند. وقتی که برای مثال کارگران شعار میدهند که "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" این یعنی چه؟ یا وقتی مالباختگان و بازنشستگان میگویند "اگر که من نبودم تو اون بالا نبودی" منظورشان چیست؟ در واقع دارند به زبان ساده ای به سرمایه داران مفتخور میگویند اگر کارگر نباشد شما هیچ نیستید و مفتخوری بالایی ها عامل فقر و محرومیت اکثریت مردم است. یا شعار کارگران واحد که میگویند "ملک نجومی تو ما را بی مسکن کرده". از این نوع شعارها که تمایز و تبعیض طبقاتی را مورد نقد و تعرض قرار میدهد در تمام اعتراضات اجتماعی شنیده میشود. این صدای جامعه است. این اعتراض جامعه است. کارگران و معلمان و دانشجویان و مالباختگان و بازنشستگان هرجا که اعتراض کرده اند حتی برای دستمزدهای پرداخت نشده شان، این نوع شعارها در تجمعاتشان شنیده میشود. یعنی اینطور نیست که کارگر فقط می آید و میگوید دستمزد پرداخت نشده مرا بدهید. به سرمایه داران و حکومتشان میگوید آن کارخانه مال شما نیست. حاصل رنج و کار پدران ماست. کارگر هفت تپه این را میگوید. از استثمار و کار ماست که هفت تپه و غیره بوجود آمده. هپکو درست شده. راه آهن و فولاد اهواز درست شده. این نوع اعتراض و شعارها را بویژه در مبارزات کارگران و مالباختگان و بازنشستگان که در واقع اکثریت مردم هستند بوفور میشنویم. در بیانیه ها و سخنرانی ها و غیره اعتراض به سرمایه داری و تبعیضات طبقاتی و ستم و استثمار طبقاتی را بوضوح و با صدای رسا هرروز داریم میشنویم. کمونیسم یعنی چه؟ کمونیسم یعنی همینها. کمونیستها کسانی هستند که میخواهند تبعیض طبقاتی وجود نداشته باشد. یک اقلیت بی خاصیتی بی دلیل بالای سر جامعه حاکمیت نکنند. همین الان نگاه کنید! اکثریت مردم برای تهیه نان شبشان مشکل دارند. ولی یک اقلیت مفتخور دارد در ثروتهای واقعا نجومی غلت میزند. اتومبیلهای چند میلیون دلاری از کشورهای غربی هزار هزار وارد ایران میشود که اینها استفاده کنند. و سوار میشوند و برای خودشان میگردند. و خلاصه در ثروتهای عظیم غلت میزنند. بقیه چیزهایی که میخرند و سفارش میدهند را مردم خبر ندارند. این را مردم قبول ندارند. کارگران قبول نمیکنند. این یعنی من تبعیض طبقاتی را نمیخواهم. و کمونیسم دقیقا یعنی همین. کمونیسم چیزی جز اینکه تبعیض طبقاتی نباید در هیچ گوشه جامعه وجود داشته باشد نیست. کمونیسم یعنی بی عدالتی اجتماعی را من قبول ندارم. اینکه یک مشت مفتخور چند تا کارخانه داشته باشند و چند هزار کارگر را شب و روز استثمار کنند و حقوقهای بخور و نمیر آنها را هم بالا بکشند را کمونیستها قبول ندارند. قبول نداریم که سرمایه دار بر آن جامعه حاکم باشد.

و این را کارگر و معلم و پرستار و بازنشسته و دانشجو و مالباخته دارد هرروز به زبانهای مختلف فریاد میزند. اگر فرصت بود من میتوانستم چند تا از شعارهایی که هرروز دارد در چندین اعتراض و حرکت تکرار میشود را اینجا ذکر کنم که تماما علیه تبعیض طبقاتی است. فقط شعارها هم نیست. در بیانیه ها، سخنرانی ها، اعتراضات خیابانی، و در همه جا ما اعتراض به حاکمیت سرمایه داران مفتخور و اعتراض به شکاف طبقاتی را بوضوح میشنویم. این یعنی چه؟ یعنی جامعه هرجا اعتراض میکند به زبان چپ اعتراض میکند و این یعنی جامعه اساسا چپ است.

من اصلا ادعا نمیکنم که کسانی که این شعارها را میدهند الزاما کمونیسم را میشناسند یا حزب کمونیست کارگری یا مارکسیسم را خوانده اند. اتفاقا جالبی مساله اینست که این شعارها و خواستهای چپ از زندگی واقعی و روزمره کارگران و معلمان و بازنشستگان سرچشمه میگیرد. و این بیش از هرچیز حقانیت کمونیسم را تاکید میکند. نتیجه اینکه اعتراض جامعه چپ و سوسیالیستی است و راست و سلطنت طلب و فاشیستها به این اعتراضات کاملا بی ربطند. چپ جامعه به موقع خودش حزب خودش را هم انتخاب میکند و مجبور است انتخاب کند.

یک عده اهداف ارتجاعی سلطنت طلبی را جلوی مردم میگذارند اما کارگران و مردم متوجه میشوند که چپ جوابشان را میدهد و این نوع گرایشات و جریانات علیه کل خواستهای انسانی و پیشرو مردم و کارگران هستند. کسی که حقوق نجومی نمیخواهد و مفتخورها را نمیخواهد بر او حاکم کنند نمیرود پشت سر رضا پهلوی و حکومت موروثی و خانواده هزار فامیل. این واقعیت جامعه ایران است و جریانات راست به این واقعیت کاملا بی ربط هستند.

**سیما بهاری**: در مورد رضا پهلوی صحبت کردید. خود این جریان فرشگرد میگوید رضا پهلوی یک جایگاه ویژه دارد ولی علت حمایت از او اینست که جامعه دارد او را انتخاب میکند. و شعارهای مردم در اعتراضات دی ماه به این طرف نشان میدهد که رضا پهلوی را میخواهند. این چقدر واقعی است؟

**کاظم نیکخواه**: بنظر من اصلا واقعی نیست. کسی از مردم رای گیری نکرده که جامعه چه شخصی را میخواهد. رضا پهلوی طرفدارانی در جامعه دارد. اما چپها و کمونیستها هم طرفداران بسیاری دارند. اما حرف من اینست که رضا پهلوی کسی است که وقتی خاتمی سرکار آمد به همراه داریوش همایون به او تبریک گفت، به روحانی تبریک گفت. هنوز هم دنبال اینست که از "روحانیت اصیل" در مقابل "روحانیت فاسد" دفاع کند. یعنی سعی میکند بخشی از آخوندها را تطهیر کند و برای آینده از آنها استفاده کند. همانطور که اشاره کردم حتی سعی میکند مذهب و اسلام را از جمهوری اسلامی جدا کند و تطهیر کند و همه جنایات و چپاول رژیم اسلامی را به گردن یک "فرقه تبهکار" بیندازد. این نوع سیاستها و جهت گیریها در سیاست در ایران جای جدی ای ندارد. معلوم است که یک عده طرفدار رضا پهلوی هستند و میروند اینجا و انجا شعار میدهند. اما در اعتراضات توده مردم، در جنبشها و اعتراضات کارگران و معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و مالباختگان که بارها و بارها هزار هزار آمده اند و اعتراض کرده اند یک بار شعارهایی به نفع این جریان یا در دفاع از اهداف سرمایه داری مفتخوری که سلطنت طلبان مدافع آن هستند نمیشنوید. اگر کسی از سرمایه داری و سلطنت و حاکمیت موروثی جایی دفاع کند، آن وقت میشود گفت که طرفدار سلطنت است. اینها یک ذره در میان بخشهای معترض جامعه جایی ندارد. اما شانتاژ تبلیغاتی کم ندارند

**سیما بهاری**: و سوال آخرم اینست که وظیفه ای که در قبال این تشکل چه حزب کمونیست کارگری چه چپ برای خودش در نظر دارد چیست؟

**کاظم نیکخواه**: معلوم است که ما وظیفه خودمان میدانیم که هرجا هر جریانی سیاستهای ارتجاعی در پیش میگیرد و میخواهد آنرا به درون جامعه ببرد آنرا افشا کنیم. جریان فاشیستی ای که با سیاست طرفداری از سلطنت و طرفداری از فاشیسم و ضدیت با کمونیسم میخواهد جلو بیاید با سیاستهای ما افشا میشود. سرراست ترین راه برای عقب راندن این جریان و هر جریان دیگر راست نشان دادن و فرموله کردن مضمون چپ و طبقاتی اعتراضات اجتماعی به خود مردمی است که دارند اعتراض میکنند. هر جریانی که بخواهد جامعه را به عقب ببرد و از خواستها و اهداف انسانی و پیشرو خودش دور کند مورد نقد و افشاگری ما قرار میگیرد. ما اهداف و فعالیتی جز این نداریم که جامعه را با اهداف انسانی آشنا کنیم. مردم را با خواستهای انسانی شان آشنا کنیم. مردم حق دارند رفاه داشته باشند، آزادی داشته باشند، برابری داشته باشند. زندگی انسانی داشته باشند. و هرکسی که بخواهد جامعه را به مسیر دیگری بکشاند یا به عقبگرد بکشاند مورد نقد و افشاگری فعالانه ما قرار خواهد گرفت. فکر نمیکنم این جریان آینده چندانی در جامعه ایران پیدا کند. جای زیادی داشته باشد. و مطمئا خیلی زود خودشان دچار تشتت و از هم پاشیدگی خواهند شد. چونکه جامعه این ها را قبول نمیکند.\*